

سیدحسین حسینی در روزهایی که شاید می توانست آغاز روزهای شهرتش باشد یکدفعه به بهترین رکورد دروازه‌بانی در فوتبال ایران دست پیدا کرد. او با ۸۷۳ دقیقه گل نخوردن، رکوردی را که در تاریخ فوتبال ایران به نام بهرام مودت بود به نام خود ثبت کرد. حسینی ۲۵ ساله در سالی به ترکیب اصلی استقلال رسید که مهدی رحمتی هنوز در این تیم حضور داشت. اودر تک به تک‌ها و ضربات شوت، نمایش بسیار خوبی از خود به جا گذاشته است. هرچند که نمی‌شود از کیفیت مدافعان استقلال برای به دست آمدن این رکورد عبور کرد. حسین حسینی حالا شانس زیادی برای دروازه‌بانی در تیم ملی دارد.

یکشنبه ● ۲۴ دی ۱۳۹۶ ● شماره صد و سی و هفت

A T I V E H N O

ورزش

با حاشیه، بی‌حاشیه



کتیو | ۱۵



قسمتی از هواداران پرسپولیس، طارمی را مدیون تیم‌شان می‌دانند. اگر به روزهای ورود طارمی به پرسپولیس و آمار گلزنی‌اش قبل از حضور برانکو نگاه کنیم، حق را به هواداران خواهیم داد اما...

سیاه و سفید طارمی

برای هواداران پرسپولیس، مورد مهدی طارمی، همچنان آن قدر عجیب است که موضع یکسانی در مورد جدایی اش ندارند؛ عده‌ای او را تحسین می‌کنند و عده‌ای نکوهش، اما حق با کیست؟ کارا کتر مهاجم ملی‌پوش قرمزها و نقش اول داستان ما، مثبت بوده یا منفی؟ او سیاه است یا سفید؟



● **مهدی شادمانی** ●

● shadmanimehdi@gmail.com ●

پسر بچه‌بوشهری، وقتی اولین بار پیراهن پرسپولیس را بر تنش می‌دید، حتما غرق شادی شده بود. او که همچنان توانایی بازی کردن در تیم امید پرسپولیس را داشت، قبل از پیراهن تیم مشهور تهرانی، فقط پیراهن ایرانشویان را دیده بود و شاهین بوشهر. در مدت کمی، از یک هوادار دواآتشه، تبدیل شده بود به بازیکنی که رویایش را در دسترس می‌دید.

پرسپولیس و استقلال، در سالیان مختلف از این دست بازیکنان، زیاد داشته‌اند؛ پسر بچه بوشهری اما یک تفاوت بزرگ با همه‌شان داشت؛ او با گلزنی هایش، ستاره شد؛ درحالی‌که در این چندسال اخیر، هیچ‌کدام از بازیکنان دو تیم، در سن طارمی، ستاره‌لیگ‌برتر نشدند.

جیب‌های جادویی مرد کروات

پرسپولیس، در بیش از دو دهه اخیر، دو دوره اوج ویژه داشته که هر دو، در زمان مربیگری پیرمردی از کرواسی بوده است. یکی، اواسط دهه هفتاد -که استانکوی ۵۰ ساله‌روی نیمکت این تیم می‌نشست- و یکی هم همین سال‌های اخیر که برانکوی ۶۰ ساله‌روی نیمکت پرسپولیس می‌نشیند. هرچند قرمزها در طول این مدت، بدون این مربیان، قهرمان هم شده‌اند، اما قطعا در ۲۵ سال اخیر، بهترین دوران‌شان را با این دو مربی کروات گذرانده‌اند. وجه مشترک این دو مربی، معرفی بازیکن درجه‌یک بوده است. هرچند دوران استانکو، کوتاه‌تر بود و ستاره‌هایی چون دایی، باقری، مهدوی‌کیا، می‌ناوند، پیروانی و... در تیم‌بازی می‌کردند؛ حقیقت این است که بعد از استانکو، پرسپولیس هم‌زمان چنین بازیکنان با کیفیتی نداشته یا حداقل، کمتر داشته. بازیکنانی که به پرسپولیس بیایند، ستاره شوند و بروند. دایی و باقری، شاید مدیون استانکو نباشند، اما مهدوی‌کیا، کل تحول فوتبالی‌اش در پرسپولیس استانکو رخ داد. حالا بیست‌سال بعد از آن

آفتابگردان

آمار گلزنی‌های طارمی می‌گوید که او در ۱۱۲ بازی، برای قرمزها ۵۵ گل زده است؛ یعنی حدودا در هر دوبازی، یک گل. حالا بیا بیدرتبه پرسپولیس را در سال‌های گلزنی‌اش نگاه کنیم؛ قرمزهایک سال با آقای گلی، او، دوم شدند و سال دیگر هم با آقای گلی، او، قهرمان. در لیگ قهرمانان آسیا هم با کمک گل‌های

او، تا نیمه‌نهایی رسیدند.

پراشتباه و عاصی

شاید به‌طور قاطع نتوان گفت که طارمی، مدیون است اما می‌شود گفت که از میان همه ستاره‌هایی که از پرسپولیس رفتند، فقط اوست که امروز مورد نقد هواداران قرار دارد و با این کارنامه، حتما باید گفت که او به خودش بد کرده. مهدی طارمی، دچار یک خامی عجیب است. خامی، نه به عنوان یک توهین، که به عنوان کسی که دانسته‌های کمی دارد. او سال قبل و درحالی که پیش‌بینی می‌شد از پرسپولیس برود، روزهای بین فصل را بدون روشن کردن تکلیف قراردادش، به ایرانگردی پرداخت. طارمی، قبل از امضای قرارداد با ریزه‌اسپور، دو هفته با دوستانش در ایران سفر می‌کرد و در اینستاگرام، عکس می‌گذاشت. او تکلیفش را با خودش معلوم نکرد، اما اگر قبل از همان دوهفته می‌رفت، کسی خرده‌ای به او نمی‌گرفت. طارمی نرفت و نفت و نفت و پرسپولیس، در نقل وانتقالات، مهاجمی را جذب نکرد و امضای ناگهانی قراردادش با ریزه‌اسپور، آن هم در روزهای پایانی نقل وانتقالات، صدای همه را درآورد. طارمی، اگر دو هفته زودتر به ریزه‌اسپور رفته بود، همه انتقادات متوجه مدیریت ناکارآمد پرسپولیس برای جذب بازیکن می‌شد. اما او این کار را نکرد تا هجمله‌های اینستاگرامی آغاز شود. او پس از این اشتباه، اشتباهات دیگری هم مرتکب شد؛ او بدون فسخ قراردادش، به تهران برگشت. پول فسخ قرارداد را به‌صورت صوری از هدایتی گرفت و دوباره برای پرسپولیس بازی کرد. او البته در امضای قراردادش با قرمزها، حل مشکل قرارداد با ریزه‌اسپور را به گردن باشگاه انداخت تا ثابت شود پولی که از هدایتی گرفته، خیلی ربطی به رضایت‌گرفتن از ریزه‌اسپور ندارد و حل آن موضوع، بر عهده باشگاه بوده. پس از این اشتباهات، چندصد هوادار ناراضی در ورزشگاه، علیه طارمی شعار دادند و او با انگشت اشاره، آنها را به سکوت فراخواند و این آخر هم به جای اینکه با درایت از پرسپولیس جدا شود یا در روزهای سخت، کنار تیمش بماند، خیلی راحت رفت و همه ماندند و یک دنیا سوال. حقیقت امر این است که اگر مهدوی‌کیا از رفتنش، به پرسپولیس سود رساند، هیچ ستاره دیگری -از جمله علی دایی و باقری و ...- سودی به قرمزها نرساند؛ اما همه آنها طوری از پرسپولیس جدا شدند که هواداران ناراحت نشوند. آنها می‌دانستند چطور رفتار کنند که در مقابل مردم قرار نگیرند و دلی را نرنجانند. اما مهدی طارمی، اینها را بلد نبود و پس از پیوستن به الغرافه، اکثر هواداران را از خود دلزده کرد.



● **یادداشت** ●

● مصطفی شوقی ●

چرا قطر توانست اما ایران نتوانست؟

فدراسیون فوتبال قطر، موفق شد در پرونده‌ای که عربستان و امارات، علیه‌اش به راه انداخته بودند، پیروز شود و حکم نهایی را بگیرد. عربستان و امارات، به دنبال مسائل سیاسی رخ داده میان کشورهای عربی و قطر، از کنفدراسیون فوتبال آسیا درخواست کرده بودند که بازی‌های‌شان مقابل باشگاه‌های قطری، در کشور بی‌طرفی برگزار شود. شکایت دو کشور عربی، دقیقا شبیه همان چیزی بود که در مورد ایران اتفاق افتاد. به دنبال یک اتفاق سیاسی، وکلای زبردست عربستانی، پرونده‌ای به کنفدراسیون فوتبال فرستاده و پیروز شده بودند؛ به همین دلیل هم امید داشتند با کمک یکدیگر بتوانند AFC را متقاعد کنند که بازی‌های‌شان، در کشور دیگری برگزار شود. شکایت عربستان و امارات، ماه گذشته در کمیته مسابقات کنفدراسیون فوتبال آسیا مورد بررسی قرار گرفت و این کمیته -که رئیسی قطری داشت- رای به برگزاری مسابقات به صورت عادی داد؛ اما همه‌چیز منوط به جلسه کمیته اجرایی شد. کمیته اجرایی مسابقات هم طرح برگزاری عادی مسابقات را تصویب کرد، اما کمیته‌ای را مسئول بررسی نحوه اجرای حکم و مشکلاتش کرد. حالا خبر می‌رسد که کمیته هم نظرش را داده و به صورت قطعی در لیگ قهرمانان آتی، تیم‌های عربستانی و اماراتی، مجبورند به کشور قطر سفر کنند. در بین این اخبار اما مسئولان فدراسیون فوتبال ایران مدعی شدند که رای‌های کمیته مسابقات و کمیته اجرایی، شامل ایران هم می‌شود. اما در هیچ‌کدام از رای‌های صادرشده، اشاره‌ای به بازی‌های ایران و عربستان نشده است و طبعاً وقتی قانونی جدید در مورد بازی‌های ایران و عربستان تصویب نشود، همان قوانین گذشته جاری خواهد بود؛ مسئله‌ای که کاملاً برعکس ادعاهای مسئولان فدراسیون فوتبال است.

مسئولان لیگ عربستان و باشگاه‌های عربستانی، در همان روزها اعلام کردند که این حکم، ربطی به ایران ندارد. اما مسئولان فدراسیون فوتبال ادعا می‌کردند که این برداشت، کاملاً اشتباه است؛ باشگاه‌های عربستانی، کشور میزبان را انتخاب کرده‌اند و زمین‌شان را به کمیته مسابقات اعلام کرده‌اند و استقلال هم با مسئولان ترکمنستانی برای میزبانی از تیم‌های عربستانی به توافق رسیده و به نظر می‌رسد که بازی‌اش را در ترکمنستان برگزار خواهد کرد. البته مسئولان فدراسیون فوتبال که در آن روزها بسیار مصاحبه می‌کردند، این روزها سکوت پیشه کرده‌اند و صحبتی نمی‌کنند، اما ظاهراً بار دیگر حق کشورمان در کنفدراسیون فوتبال آسیا پایمال شده و این یک خبر تلخ برای دیپلماسی ورزش ایران است.

هرچند رفتارهای سیاسی منجر به شکایت عربستان از ایران، قابل توجیه نیست، اما همچنان پس از سه سال، دیپلماسی ورزش ایران به این قدرت نرسیده که بتواند در حد قطر عمل کند. جزئیات جلسات برگزار شده در کنفدراسیون فوتبال آسیا، نشان می‌دهد که وکلای ایرانی نتوانسته‌اند مثل وکلای قطری، مقابل عربستان ایستادگی کنند و فدراسیون فوتبال ایران با این همه ادعا، قدرت حقوقی و لابی بسیار کمتری نسبت به قطر دارد.

البته وقتی بدانیم که شبکه بین اسپورت، قطری است و حق‌پخش مسابقات را خریده و رئیس کمیته مسابقات هم قطری است، شاید برای مان عجیب نباشد که قطر، توان بیشتری برای دفاع از حق خود داشته باشد. اما با این همه، شکست در این پرونده، دردناک به نظر می‌رسد. ایران، فقط به لطف کی‌روش، بهترین تیم ملی آسیا و به لطف تماشاگران، پرمشاهگرتزین مسابقات را دارد؛ اما به لطف مسئولان کم‌نفوذ، کم‌اطلاع و کم‌قدرتش، در کنفدراسیون فوتبال آسیا، بسیار ضعیف است.